

ژاله اصفهانی

# شب شعر

ژاله اصفهانی

باور نمی کنم همه جا راه بسته است

پیوند های محکم یاری گسسته است

انجمن دوستداران شعر و ادب فارسی در شامگاه روز

"شنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۰۰ ساعت ۶ بعد از ظهر"

شب شعری برای هنرمند ارزشمند خانم ژاله اصفهانی تهیه دیده

است تا گوش دل به سروده های این بانوی دنیای ادب بسپاریم

از همه شما فارسی زبانان هنر دوست دعوت می کنیم که در این

گلستان شعر و ادب همراه و هم پرواز ما باشید

*Amanda Str. 58 Eimsbittel*

محل برگزاری:

با آرزوی شبی فراموش نشدنی

انجمن دوستداران شعر و ادب فارسی

ورودیه ۵ مارک

مددای جو بوی خوش آشنایی

خانم زاله اصغری نغز، از صمیم قلب برای شما نازنین آرزوی سلامتی و  
 آرامش می‌کنم. قبل از هر شروعی باید بگویم چنان کفایت علم شما و قدرت  
 روحی شماست که هیچ واژه‌ای قادر به تصویر آن نیست. کتاب سوره‌ها را  
 گاه با خنده‌ای برب، گاه با اشک در میان و زمانی با هوشی که بر همه باطن را تم  
 هر لحظه از زندگیتان را با شما زیستیم. درد غربت را با شما کشیدیم و قدرت روحی  
 و سبب کارتان را تحسین کردم. سوره‌های پرسی از من اهل گیم تا تأثیر عمیق بر  
 من گذاشته. آری من هم از سوزین سوره عین و آفتابیم. بارها تصور  
 شما را در کتابتان نگاه کردم گویی عین جاودانه را از نگاهتان بدور فرد احاطه  
 دیدم و من کردم. همه با درویشی رنگارنگ آرزوها بدینال گمشده خود  
 می‌گردیم. در این عین خود همه با هم متحدیم. بارها و بارها سوره نست انانهای  
 مختلف را در کتابتان خوانده‌ام تا این چنین که با شما تمام لحظات زندگیتان  
 را همراه کردم تا آنجا نبودم یا کمتر بودم.

خانم اصغری لطفاً پس از رفتن این آمنت دقتتان را به من اطلاع دهید

خانم اصغری بسیار خوشحالم که به جمع ما می‌آید و آرزو می‌کنم غیر از سبب سوره  
 سعادت دلگیری با هم داشته باشیم  
 به امید دیدار همیشه هستی

ترجمه نبه ۲۲ از شعر آگاهی که برای طایفه زاده اصفهانی سروده شده است .

زاده اصفهانی ، ترقی که اندوه لغت آسمان در لثاف کلمات کرد در جان کر  
جای دارد .

حساب که اندر اش را بی تابانه بر روی باغهای خزان میگرد ، سرانجام

آهوان سینه ، آن ترم آزار را فراسد یافت ( فراسدید ) .

مگر ندان که آن ادغام در دایره اش بنا و مبرای سارا در فرد خواهد پشاند .

زخشته آرام اشکها جاری است . آن را می شنودیم ، اندکی پیش دانندگی

پس از اشک رفتن ( گدیز کردن ) .

کلمات در آوای زبان سینه ، می شود . همچون فرادانی که با هم سنجای کنند ،

آن زمان که گزر رادس فرد را به کمال و آزادی سوزاری کرده باشند .



63, Colet Gardens,  
St. Paul's Court,  
London W14 9DN

25. 11. 1997

Lotharstratze 14 - 18  
50937 Koln  
GERMANY

Dear Dr. Wilkens,

Thank you for your letter of 11. 11. 1997, together with copies of my poems that you have expertly translated into German language.

I enjoyed the poem that you have written for me. I wish I could read its original in Germany. For, as you are aware, many poetic nuances will be lost in translation.

My recent trip to Germany, compare with other travelling experience, was much encouraging and enjoyable. Through a telephone conversation from Tehran, I have learnt that part of my poem reading in Farsi and also yours reading in Germany have been transmitted, and met with the listeners interest.

I wish you all the best and happiness.

Yours sincerely,

Jaleh Esfehani

از نامه مورخه ۱۱/۱۱/۹۰ ش، به همراه با اودا  
 من که با هارت به زبان آلمانی ترجمه کرده‌اید، متشکرم.  
 از شعری که برای من سروده‌اید لذت بردم. آرزو دارم  
 که می‌توانستم اصل آن را به زبان آلمانی می‌خواندم، زیرا  
 به طوری که می‌دانید، بسیاری از زیبایی‌های شعری در  
 ترجمه از بین می‌روند.

سفر اخیر من به آلمان، ایتالیا و با تجربه‌های مسافری  
 دیگر، بسیار شوق آمیز و لذت بخش بود. از طریق  
 مکالمه تلفنی با تهران با خبر شدم که بخشی از شعرخوانی  
 من به فارسی و گفتار شما به آلمانی پیش شده و مورد توجه  
 شنوندگان قرار گرفته است.

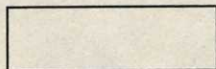
با بهترین آرزوها برای شما  
 دلاله اصلانی

## 18 ZHALEH ESFAHANI

Die unumgängliche Verletzung am linken Schenkel hat zu einem gefährlichen Leben dauernden Anlaß gegeben. Die gesprochene Sprache erweist sich als überlegen den Wechsel-fällen, die wahrlich nicht gerade gespaßt haben, als sie den Riemen geflochten, der über die Hunger und Dürste hinwegzaubern soll. Darf zwischen Hoch und Niedrig nicht mit der Schnelligkeit des Kontakts die Ebene gezimmert werden, auf der getanzt wird, mit Blicken, Stoffqualitäten von Duff bis Glänzend? Es darf. Und der Strom der Liebesakte verästelt sich in der unbefangenen gebliebenen Ferne. Man muß durch das strudelnde Schwatzen hindurch, um beherzt aufzutreten -: Abraham, der mit Gott rechtet. Gottes Bescheidenheit nämlich umfaltet das Menschen-mögliche Werk.

You couldn't avoid being hurt at the left shank -  
 This started a dangerous life again and again.  
 The spoken language is above the several  
 excitements which were no fun at all, when the  
 plaited the strap destined to charm away  
 hunger and thirst. Is it allowed to carpenter  
 the level for dancing between High and Low,  
 with the quickness of contact, with glances,  
 with the qualities of fabrics from mat to shimmering?  
 Yes, it is. And the stream of acts of love branches off  
 in the distance still unembarrassed. You have  
 to get through the whirling chatter, so that you  
 are able to stand there with a brave heart -:  
 Abraham, who pleads with god. It is God's humbleness,  
 which folds in the work possible to man.

Edegar Wilken



VHS im Amt für Weiterbildung  
Lotharstraße 14-18, 50937 Köln

**Frau Jaleh Soltani Esfahani**  
**63, Colet Gardens**  
**St. Paul's Court**  
**London W14 9 DN**

**GROSSBRITANNIEN**

**VHS Lotharstraße**

Lotharstraße 14 -18 50937 Köln

Sprechzeiten: Mo.: 16.00 - 18.00 Uhr  
und nach Vereinbarung

KVB: Haltestelle Arnulfstraße

Auskunft erteilt: Herr Dr. Wilkens

Zimmer:

Ruf: (0221) - 221-9746

Fax: (0221) - 421910

Ihr Schreiben

Mein Zeichen

Tag

11.11.97

Dear Mrs. Esfahani,  
after the evening with your poetry I have written the following lines (here given in  
English translation):

Zhaleh Esfahani, the words clothed with the sadness  
of the eighth heaven live in your body this time.  
The moonlight is thirstily roaming through the autumn's gardens.  
Shall it see the white hart finally, the bewitched free people?  
The waves of pearls, you know, cross sex and parting's flames. Tears  
hiss coolly. The breathing hearing wants  
to be caressed coquettishly, just shortly before  
crying, and then even a little bit beyond.  
The Words are rocked in the words of language,  
brothers and sisters do speak with each other, as soon  
as they have bemoaned the death of their parents sufficiently.

I send you my translations of your poems, may be it is interesting to you so far.  
I wish you all goodness and thank you for being there -  
sincerely,

*Eckart Wilkens*

Dr. Eckart Wilkens

لندن ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰

دوست عزیزم خانم کبری

درود گرم بر سر او بر آن همه احساس داند بر تو عمال زبانی که به راه و به این سال که خسته اند  
تو همی کنم با زبانها و در عورت نام برت و شوقانی در آید که کویش همی کنم جرم  
دوایم بر به دنیا نشو و دنیا کن دیگران تا من اینه اگر باقی پیش بیاید منی آخر آید بهی و صنف  
زایم همی کنم همی کار که مرط می اندم در حالی که به آنها دل تو هم

در روز جمعه ۲۸ تا ۲۵ ~~نخستین~~ بر سر در آید نامی را به راه صاف دادماند که باید همی  
بر انجام هم بر هم یک ماه در فریاد بر جگر او  
اندام می خورد به شوری کنی امیدوار است به این است ساد کردی منی والاکر  
یا " باور می کنم هم چاره دین است - پیوندی که حکم یاری که است " و از این دست  
سلام و درود به آنانی که در شرف شایسته زمانه که بر این شوقانی در این زمین  
شود در فارسی " شوقی می اندوزد البته به گردانند حال آن انجمن که ششانی دیدارشان هم  
تا پنج ورود نمودم را خیر خواهم داد

برای دیدار

راه

از دستهای در نامه نذر من می خواهم که به جایی نوبت  
ستیا به نوشم روز را اول که سبب می برم در حالش خنق شوقانی دارم که خودم بر جان